

آیا دولت کرزی از فساد مژمن بمرحله فروپاشی نرسیده است؟

اگر اینرا بپذیریم که در سقوط رژیم طالبان نقش دولت ایالات متحده آمریکا تعیین کننده بوده، در این هم جای تردید نخواهد بود که متخصصین سیاست گذاری دولت مذکور در تعیین اداره موقت برای افغانستان دست درازی داشتند. اداره موقت که بعداً بدولت عبوری و بالاخره با صحنه سازی زیر نام لویه جرگه و دیموکراسی به دولت انتخابی بریاست حامد کرزی مبدل شد، در اصل تجمع یا « فدراسیونی » از جنگسالاران بود که خصیصه بارز آنها چیزی جز فساد و آشوب آفرینی نبود، بنابراین طبیعی است که با یکچنین دولتی باید جامعه بسوی فساد و بی امنیتی و سرانجام روبه فروپاشی و سقوط برود.

طوریکه همه شاهدیم از همان لحظه نخست در کنفرانس بین المللی بُن آلمان بحث برسر تقسیم قدرت، هر نوع زد و بند را به همراه داشت و در همه زمینه ها سوء استفاده جوئی ها آغاز و ادامه یافت. بناءً در ظرف نه سال چندان تحول کیفی در وضعیت امنیتی، نظم اداری، اقتصادی و سیاسی در کشور رونما نگردید.

آنهائیکه در آغاز دولت موجود را به غلط پایه گذاری کردند نزدیک به ده سال میشود که در تمام تار و پود کشور شاهد فساد و بحران هستند، از دور اول انتخابات ریاست جمهوری و ولسی جرگه که بگزیریم، در دور دوم انتخابات ریاست جمهوری از هر جهت و هر لحاظ تقلب و تخطی از اصول و قانون دیده شد ولی بجای علاج و اصلاح از آن چشم پوشیده شد، لذا اخیراً برجسته ترین نمونه وضعیت فروپاشی را در بخش اقتصادی و سیاسی میتوان دید که سقوط « کابل بانک » اتفاق ساده ای نیست، که به اظهار خود رئیس جمهور کرزی روزانه ده میلیون دالر پول نقد بصورت غیر مجاز و غیر قانونی از طریق میدان هوایی کابل بخارج انتقال می یابد، که این رقم بیش از کل عواید داخلی روزانه دولت است.

یک عامل منفی دیگر درین ارتباط ستراتیژی رئیس جمهور اوباما مبتنی بر اعلام خروج قوای امریکا در سال ۲۰۱۱ از افغانستان است که به بی اعتباری و سقوط احتمالی دولت کرزی افزوده و سوء استفاده جویان را وا داشته تا با تلاش و سرعت هر چه بیشتر برای پرکردن جیب های شان اقدام نمایند.

شاخص نظم و امنیت که در هر کشوری موجودیت اردو و پولیس کارا میباشد، متأسفانه در افغانستان برغم مصرف میلیارد ها دالر هنوز بیک چنان کیفیتی نرسیده که بدون حمایت قوای ناتو از عهده مبارزه علیه تروریسم در داخل کشور بدر شده بتواند. هر روز تعداد افراد بی سواد و نیمچه باسواد بیکار و درمانده به تأمین نان شب و روز خود و خانواده های شان پس از چند روز آموختن و بکار بردن ابتدائی تری وسایل مثل تفنگ، داخل نظام عسکری و پولیس ملی شده اما چند ماهی تجربه نیاموخته ترک وظیفه می نمایند و بد تر از همه اینکه اسباب و لوازم خود را بدشمن تحویل میدهند و حتی گفته میشود که پولیس ها تیل موترهای خدمتی را به بازار سیاه می فروشند.

از لحاظ سیاسی :

عدم شرکت اکثریت واجد شرایط رایدهی در انتخابات دور دوم ولسی جرگه است که گفته میشود از جمع یازده میلیون واجد شرایط رایدهی صرف سه ونیم میلیون رای به صندوق ها انداخته شده که آنهم شامل بسی تقلب و تخطی و سوء استفاده ها بوده که پس از بررسی لازم ممکن رای باطل بیشتر از رای صحیح ظاهر شود، آنگاه چه حامیان خارجی دولت کابل آنرا بپذیرند و یا نپذیرند آخرین پرده انحطاط و سقوط دولت کرزی خواهد بود. کرزی خود اینرا دریافته و از بیم و هراس موجود در کشور به اجلاس سالانه سازمان ملل متحد شرکت نکرد و از نهایت درماندگی با روح افسرده و چشمان اشکیار به تلویزیون ظاهر شده از مردم خواست که چه کنند و چه نکنند، اگر سخنان وی متوجه مردم عادی کشور باشد، باید بداند که حرف های وی در گوش کسانی اثر میگذارد که اقلاً از ابتدائی ترین آگاهی بهره ای داشته باشند، درک فرهنگی مردم ما به درک مردم هزار سال قبل میماند، آنها به زندگی روز مره خود می اندیشند که از چه طریق شکم خود و فرزندان شان را سیرکنند و اگر حرفهای وی متوجه قدرتمندان و ثروت اندوزان بوده باشد، باید درینقدرمدت میدانست که گوشهای آنها اصلاً قادر به شنیدن همچو حرفها نیست و اگر قادر به شنیدن این نوع حرفها می بودند اقلاً بگوشهای برادران خودش اثر می بخشید که راجع به دست داشتن شان در مسأله مواد مخدر و دیگر سوء استفاده های کلان و شرم آور در سطح جهان سخن بمیان نمی آمد.

با اینحال شاید بعضی مردم جهان و بیشتر از همه امریکائی های ساده انگار در اثر تبلیغات دولت های شان باور کرده باشند که در جامعه قومی و قبیله وی افغانستان دیموکراسی بوجود آمده باشد اما چنین نیست زیرا دیموکراسی چیزی نیست که هرگاه دو سه نهادی مثل قوه مقننه، قضائیه و اجرائیه یکبار که در یک کشور تشکیل یافت در آنجا دیموکراسی پایه و قوام گیرد و خود بخود ببار نشیند، نه ، واقعیت امر اینست که دیموکراسی بدون تربیت مبتنی بر اخلاص نسبت به وطن و پرورش سیاسی و دادن اطلاعات روشن و راستین به مردم، میسر نیست، دیموکراسی فقط در نهاد ها قرار ندارد، دیموکراسی باید در پرورش آداب و خلیات مردم جا پیدا کند.

"مانتسکیو" (Montesquieu) نویسنده و فیلسوف فرانسوی میگفت که « فضیلت اخلاقی اصل و مبنای دیموکراسی است». غرض "مانتسکیو" از این جمله آن فضیلتی است که مدلول الفاظ احترام به قانون، وفاداری به دولت و ایثار در راه وطن باشد ووقتی که این فضیلت خموش میشود، جاه طلبی در قلبی که قادر به پذیرفتن آن باشد رخنه میکند و هر نوع فساد و معایب به همه سرایت میکند و دولت زیر نام جمهوری لاشه مرده ای بیش باقی نمی ماند و نیروی آن دیگر چیزی جز قدرت چند نفر و اختلال و بی قاعدگی عمومی نمی باشد.

خلاصه طوریکه می بینیم دولت کرزی نیز به چیزی جز لاشه ای در حال گندیدن و فرسودن نیست، اگر آنهایی که بواقعیت خواهان آزادی و عدالت اجتماعی هستند باید در جهت بیداری فکری و اخلاق عالی انسانی کار کنند و بنویسند ولی درحالیکه این توقع را دارم متأسفانه کسانی را که چیزی میدانند می بینم که بدولت فاسد می پیوندند و یا اغلب سکوت میکنند و ترجیح میدهند چون مرواریدی در صدف خود پنهان بمانند.

پایان

د پائو شمیره: له ۲ تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ